

انصاف

آمریکا فریب هم پیمانانش را خورد / شکاف جدی در جبهه مخالفان سوریه

رئیس جمهور سوریه اخیرا در دیدار با برخی از اعضای حزب بعث در استان طرطوس آخرین نظرات خود را درباره تحولات داخلی، منطقه ای و بین المللی ابراز داشته است.



۴

حجت الاسلام والمسلمین سید عیسی حسینی مزاری خواستار آزادی فوری شیخ علی سلمان گردید

یکبار دیگر بحرین دست به عمل بزلاته زد و یکن از فرزندان انقلاب و خیزش عمومی علیه استبداد و خودکامگی رژیم ظالم این کشور به نام شیخ علی سلمان را دستگیر کرد.



۳

صلح چینی هم وارد بازاری می شود

◆ فراموش نمی کنیم که یکی از اصلی ترین و مهم ترین دلایل مخالفت رییس جمهور کرزی با ایجاد نمایندگی سیاسی طالبان در قطر، نحوه افتتاح این دفتر و همچنین برافراشتن پرچم سفیدرنگ «امارت اسلامی افغانستان» بر فراز آن بود. در صفحه ۲

◆ اینک اما از همان دفتر به کمک کشورهایمانند قطر و پاکستان، طالبان هیات سیاسی به کشورهایمانند چین می فرستند و مهم تر از آن اینکه هدف از این سفر را «بحث روی روابط دو جانبه بین گروه طالبان و چین و بیان موضع طالبان» به آن کشور اعلام می کنند.



یادداشت

درسی که از فاجعه هلمند باید گرفت

عبدالکریم محمدی

محمد نعیم؛ سرپرست ولایت هلمند تأیید کرده که راکت شلیک شده به محفل عروسی در ولسوالی سنگین از سوی نیروهای نظامی صورت گرفته است.

مقام های قول اردوی ۲۱۵ میوند نیز گفته اند که دو سرباز اردو به اتهام پرتاب راکت به محفل عروسی بازداشت شده اند.

در پی اصابت راکت به یک مجلس عروسی در ولایت هلمند دست کم ۲۰ نفر کشته و ۷۰ تن دیگر زخمی شدند.

روز جمعه ۱۲ جدی بستگان قربانیان این واقعه در برابر ساختمان ولایت هلمند گردهمایی اعتراضی داشتند و خواهان پیگیری این واقعه شدند.

هیاتی از سوی رئیس جمهور که مشمول اعضای اردو، پولیس، سنا و مقام های محلی می شد برای بررسی این اتفاق به محل حادثه سفر کرد؛ اما گفته می شود ساکنان محلی از دیدار با نمایندگان مردم، احتراز کرده و خواهان سفر رییس جمهور به منطقه شده اند.

این حادثه شامگاه چهارشنبه در حالی رخ داد که در نزدیکی محل برگزاری مراسم عروسی، بین سربازان دولتی و طالبان درگیری شدیدی در جریان بود ...

ادامه در صفحه ۲

کارشناسان مسایل دینی:

مسلمانان افغانستان اجازه نخواهند داد که اختلافات جزئی سبب تفرقه میان آنان شود

کرده اند که بدون هماهنگی و محور قرار دادن اسلام و قرآن بجایی نخواهند رسید. این عالم دینی علاوه کرد: هفته وحدت اثرات مثبت زیادی را در جهان اسلام به خصوص در افغانستان به جای گذاشته است.

به گفته وی مردم افغانستان اعم از شیعه و سنی نسبت به سایر کشور های اسلامی یکنوع هماهنگی وهمدردی بیشتری بین خود دارند و هفته وحدت سبب می شود که این همدردی ها عمیق تر شود.

به گفته او در افغانستان تا هنوز دیده نشده است که بین مسلمانان به عنوان شیعه و سنی مسئله بوجود آمده باشد در حالی که در سایر کشور ها اختلاف میان شیعه و سنی متأسفانه وجود دارد و خون های زیادی از این رهگذر در طول تاریخ ریخته شده است.

وی تصریح کرد: در طول تاریخ علمای شیعه و سنی افغانستان سعی کرده اند که حد اقل اختلاف مذهبی را از میان مسلمانان بر دارند و هماهنگی بیشتری را ایجاد کنند.

او گفت مردم افغانستان مردم هوشیار و زرنگی اند و می دانند که دامن زدن به اختلافات میان شیعه و سنی به نفع اسلام و مسلمین نیست.

به باور وی آتش افروزی اختلافات مذهبی میان مسلمانان از سوی کشور های غیر اسلامی منشاء می گیرد و مردم افغانستان اجازه نخواهد داد که این شکافها عمیق شود.

گفتنی است که مسلمانان افغانستان ولادت پیامبر گرامی اسلام(ص) را به عنوان عید میلاد جشن می گیرند و با برگزاری کنفرانس ها، سمینار ها، نعت خوانی و سخنرانی ها، در تمام مساجد، تکایا و سایر اماکن عمومی همه ساله از این روز تجلیل می کنند.

قرآن باید وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کنند. او هفته وحدت را هفته رسالت و رحمت خواند و افزود: مسلمانان الگوی بر گزیده از سوی خداوند دارند که می توانند در محوریت قرآن و سنت پیامبر گرامی اسلام(ص) وحدت و هماهنگی خود را حفظ کنند.

به باور حسام، هفته وحدت در افغانستان از جایگاه ویژه برخوردار است، زیرا هیچگاه جنگ مذهبی و فرقه ای در این کشور وجود نداشته است و مردم بیشتر به اساسات اسلام می اندیشند.

به گفته این عالم دینی علرغم سنگ اندازی های دشمنان اسلام و تفرقه افکنان، مردم افغانستان همواره برادر گونه زندگی کرده است.

اما به گفته او در شرایط کنونی که افغانستان مورد تهاجم گسترده فرهنگی قرار گرفته است و از سویی هم دشمنان اسلام تلاش دارند که از هر طریق ممکن میان پیروان مذاهب اختلاف را دامن بزنند لازم است که از هفته وحدت هرچه پر رنگ تر و با شکوه تر تجلیل شود تا پاسخی باشد برای آنانکه می خواهند اخوت اسلامی را کم رنگ بسازند.

حسام تأکید کرد که شیعه و سنی افغانستان متفاوت تر از سایر کشور های اسلامی است و هیچگاه تحت عنوان مذهب خونی ریخته نشده است، بنا بر این باید تلاش شود تا وحدت حفظ شود و مردم به سر نوشت سایر مسلمانان جهان دچار نشوند. در همین حال حجت السلام و المسلمین قربانعلی عرفانی وکیل مردم در شورای ملی نیز در گفت و گو با (آوا) هفته وحدت را فرصت طلایی برای انسجام مسلمانان جهان خواند و افزود: پیروان دین اسلام این ضرورت را درک

فاصله میان ۱۲ ربیع الاول که سالگرد ولادت با سعادت پیامبر گرامی اسلام(ص) از نظر روایت اهل سنت تا ۱۷ ربیع الاول که تاریخ ولادت رسول الله(ص) بنا به روایت شیعه می باشد از سوی حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی به عنوان هفته وحدت نامگذاری شده است.

آگاهان، عمده ترین دلیل این نامگذاری را حفظ وحدت میان اهل سنت و شیعه که نسبت به زاد روز رسول خدا(ص) اتفاق نظر دارند، و اینکه اسلام دین کامل و تحریف نا شده یکتا پرستی است و مسلمانان در این زمینه هم نظر هستند، و همچنین قرآن کتابی است آسمانی و جامع که برای رهنمایی تمام بشر نازل شده و دستور العملی برای تمام پیروان مذاهب اسلامی است عنوان کرده اند.

به گزارش خیر گزار صدا افغان (آوا) از هفته وحدت سالروز ولادت آخرین سفیر وحی الهی در تمام کشور های اسلامی به خصوص افغانستان گرامیداشت به عمل می آید و از سوی دولت نیز یکروز رخصتی عمومی اعلام می شود. کار شناسان دینی هفته وحدت را فرصتی مناسب برای وحدت مسلمین و تقریب مذاهب می دانند و به برگزاری سمینار ها و کنفرانسهای علمی در این زمینه تأکید می کنند.

مولوی حبیب الله حسام رییس شورای اخوت اسلامی افغانستان در گفت و گو با (آوا) ضمن تبریک و تهنیت به مناسبت فرا رسیدن سالروز ولادت با سعادت پیامبر گرامی اسلام(ص) تأکید کرد که مسلمانان افغانستان با پیروی از سنت و سیرت رسول اکرم(ص) وبا محوریت قرار دادن

مردم افغانستان پس از تقبل ماموریت نظامی مستقلانه، از وجب وجب خاک خود دفاع خواهند کرد

نماز پرفیض عبادی سیاسی جمعه با حضور هزاران تن مومن نماز گزار در مساجد و مصلاهای شهرکابل برگزار شد. به گزارش خبرگزاری صدا افغان(آوا)، خطیبان جمعه ضمن توصیه مردم به

تقوی الهی، فرا رسیدن سالروز ولادت خاتم پیامبران حضرت محمد(ص) و هفته وحدت را به تمام مسلمانان جهان تبریک گفته و به پیروی از سیره عملی آن حضرت تأکید کردند ... ادامه در صفحه ۴

تحلیل

«اقدام ملی» علیه تهدیدی فراملی

مقامات ارشد پاکستانی روز جمعه درباره یک راهبرد جامع ضد تروریستی از جمله برقراری دادگاه های ویژه نظامی برای محاکمه افرادی که در قتل مأموران امنیتی، کودکان و مردم بی گناه دخالت دارند، به توافق رسیدند.

پرویز رشید؛ وزیر اطلاع رسانی پاکستان گفت که نواز شریف؛ نخست وزیر برای دستیابی به این توافق از سیاستمداران پاکستانی از جمله رهبران مخالفانی که قبلا پیشنویس طرح اقدام ملی را تأیید کرده بودند، دعوت کرده بود.

رشید پس از کنفرانسی با حضور همه شرکت کنندگان در این نشست که پنج ساعت به درازا کشید به خبرنگاران گفت: «این پیشنویس شنبه به پارلمان پاکستان ارائه می شود و احتمالاً بحث و بررسی آن از روز دوشنبه آغاز خواهد شد.»

فرماندهان ارتش و مسؤولان ارشد اطلاعاتی پاکستان نیز در این کنفرانس حضور داشتند و رهبران سیاسی را از اوضاع امنیتی باخبر کردند.

در بیانیه مشترکی که در پایان این کنفرانس منتشر شد آمده است: «این کنفرانس با حضور همه طرف ها تشکیل شد تا درباره چگونگی اجرای طرح ملی اقدام مذاکرات بیشتری صورت گیرد.»

این اقدام چیزی است که به باور کارشناسان، سال ها پیش باید از سوی سران اسلام آباد روی دست گرفته می شد؛ زیرا خطر تروریسم در پاکستان، چیزی نیست که یکشنبه ایجاد شده باشد و رویداد خونین پیشاور، تنها مورد اقدام تروریستی علیه دولت و مردم آن کشور باشد. این وضعیت، نتیجه سال ها سهل انگاری و چه بسا سیاست های تروریست پرورانه دستگاه های مختلف سیاسی و نظامی در پاکستان است.

با این حال، به نظر می رسد کشته شدن فرزندان اعضای ارتش پاکستان برای آن کشور خط سرخ سیاست تروریست پرورانه دولت اسلام آباد بوده است و این بیانگر نوعی آشکار از دوگانه رفتاری متولیان سیاسی و نظامی پاکستان در قبال مبارزه با تروریسم در آن کشور است.

مورد دیگری از این دوگانه رفتاری در رویکردهای رسمی دولت اسلام آباد در برخورد با تروریسم در ابعاد منطقه ای آشکار می شود ... ادامه در صفحه ۲

تحلیل

اقدام ملی علیه تهدیدی فراملی

ادامه از صفحه اول / تروریزم پاکستانی در نتیجه سیاست های اشتباه و غالباً متعمدانه سران اسلام آباد اکنون به اندازه ای قدرتمند شده است که به یک تهدید جدی منطقه ای بدل شده است و مبارزه با این پدیده نیز فراتر از تدوین راهبردهایی مانند طرح «اقدام ملی» اسلام آباد به ایجاد شبکه ای وسیع از همکاری های صادقانه و واقعی فراملی ضرورت دارد.

پاکستان به رغم رویداد خونین پیشاور، به نظر نمی رسد هنوز به این جمع بندی رسیده باشد که تروریزم افغانستان و پاکستان نمی شناسد. برای تروریست ها آنچه اهمیت دارد، کشتار و ویرانی و ایجاد رعب و وحشت و خشونت و خون ریزی به منظور رسیدن به اهداف و آمال شوم خویش است و این چیزی است که هم در افغانستان و هم در پاکستان، همه روزه مردمان بسیاری را به خاک و خون می کشد و لذا مبارزه با آن هم نیازمند یک همکاری فراملی و منطقه ای است.

اما سران پاکستان وقتی به نام افغانستان در مبارزه با تروریزم می رسند، گرفتار یک دوگانه رفتاری همیشگی می شوند و تصور می کنند تروریزم در افغانستان، ماهیتاً با تروریزم موجود در پاکستان، متفاوت است و هنوز انتظار دارند تروریست های فعال در افغانستان، زمینه ساز سلطه و استیلای استراتژیک اسلام آباد بر افغانستان و تبدیل کشور ما به عمق استراتژیک پاکستان باشند؛ اما واقعیت های جاری، یافته های اطلاعاتی و جمع بندی های امنیتی، به چنین چیزی شهادت نمی دهد.

با این حساب، بدون آنکه طرح اقدام ملی اسلام آباد در زمینه مبارزه با تروریزم را زیر سؤال ببریم یا آن را از بنیاد اشتباه، عنوان کنیم و با وجود تأکید بر ضرورت تدوین چنین راهبردی سال ها پیش از امروز، ذکر این نکته را لازم می دانیم که موفقیت هرگونه طرح و راهبردی در این خصوص، منوط به دو امر مهم است؛ یکی اینکه اسلام آباد، دیوار امنیتی خانواده های ارتش و مقامات با مردم پاکستان را برچیند و دوم، امنیت افغانستان و امنیت پاکستان را تافته ای بهم بافته فرض کند که از سوی یک تهدید مشترک، مورد هدف قرار می گیرد و به همین دلیل، مجاب به ورود به یک همکاری صادقانه منطقه ای برای مبارزه واقعی با تروریزم شود.

خبر

حمایت فیسبوک و توئیتر از

اسلام هراسی

یک روزنامه انگلیسی در گزارشی از افزایش فعالیت های ضد اسلامی نژادپرستان در شبکه های اجتماعی خبر داد و اعلام کرد، این شبکه ها برای جلوگیری از انتشار مطالب ضد اسلامی اقدامی انجام نمی دهند.

ایندپندنت روز شنبه تأکید کرد، با انجام تحقیقی به این نتیجه رسیده است که با وجود اعتراض سازمان های ضد نژادپرستی، شبکه های اجتماعی فیس بوک و توئیتر از فیلتر کردن صدها مطالب کینه توزانه علیه مسلمانان خودداری می کند.

این روزنامه با اشاره به افزایش انتشار مطالب علیه مسلمانان گزارش داد، که شاید خطرناک ترین مطالب مربوط به صفحه ای است که خواستار اعدام و نابودی مسلمانان انگلیس است؛ با این وجود، یک چنین مطالب و صفحاتی از فیس بوک و توئیتر حذف نمی شود. به گزارش آوا به نقل از شبکه العالم، مسؤولان فیس بوک با وجود دریافت گزارش هایی در این خصوص، مدعی شده اند که محتوای این صفحه ها مخالف قوانین نشر فیس بوک نیست.

به نوشته این روزنامه، توئیتر نیز اذعان کرده است که همه گزارش ها و مطالب منتشر شده را تحت کنترل دارد. «فیاز موگال» مدیر سازمان امور مسائل ادیان در این خصوص به این روزنامه انگلیسی گفت: فیس بوک و توئیتر مدام گزارش هایی در خصوص مطالب منتشر شده علیه مسلمانان دریافت می کنند، و در این خصوص گروه تندرو و افراطی موسوم به «اول انگلیس» از فیس بوک و توئیتر علیه مسلمانان استفاده می کند.

موگال خاطر نشان کرد: اگر کاربران دیدگاه ها و مطالبی در خصوص اعدام شهروندان انگلیسی سفید پوست منتشر کنند، یا در مطالب خود بیهودیان را به سرطان تشبیه کنند از انتشار این مطالب جلوگیری می شود.

به نوشته این روزنامه، پولیس اکتوبر گذشته از افزایش ۶۵ درصدی جنایت های مربوط به اسلام هراسی در لندن ظرف دوازده ماه گذشته خبر داد.

هفته ی وحدت؛

زمانی برای تمرین برادری

مقدسات و شخصیت پیامبر گرامی و قرآن توهین کنند و کشورهای مسلمان را در این گوشه و آن گوشه جهان اشغال و تصاحب کنند.

البته منظور از وحدت، یکی کردن مذاهب، شیعی کردن سنیان و یا سنی کردن شیعیان نیست.

بلکه منظور از وحدت و یکپارچگی این است که با توجه به مشترکاتی که بین همه طوایف و فرقه های اسلامی وجود دارد و همگی اعتقاد به خداوند

یگانه، پیامبر اسلام و کتاب الهی و قبله مشترک و اعتقاد به معاد و احکام اسلامی مثل نماز، روزه، حج و زکات دارند، با همدلی بایکدیگر همکاری کنند.

اختلاف در بعضی از اعتقادات و احکام و اختلاف منابع، که نتیجه طبیعی اجتهاد و تفکر آزاد است، نباید موجب جدایی و دوری قلبهای مسلمانان از یکدیگر شود، بلکه باید همه فرقه های اسلامی با کمال شرح صدر و وسعت نظر عقاید و افکار یکدیگر را درک

و تحمل نمایند و در عین حال که در صحنه کاوش و تحقیق و بحث و استدلال در فضای علمی تلاش می کنند، در عرصه زندگی اجتماعی و تعامل با توجه به مصالح تمام امت اسلامی با سماحت یکدیگر را درک و به عناصر

گروه تروریستی داعش، برگزاری مراسم جشن میلاد رسول اکرم (ص) را بدعت دانست و آن را ممنوع اعلام کرد. داعش به ائمه جماعت مساجد نینوا دستور داده است که از برگزاری مراسم میلاد رسول اکرم (ص) در مساجد جلوگیری کنند.

این گروه تروریستی ائمه جماعت مساجد را تهدید کرد که در صورت سرپیچی از این دستور، آن ها را مجازات خواهد کرد.

در همین راستا مفتی کل عربستان سعودی نیز در موضعی همسو با گروه تروریستی داعش، میلاد پیامبر اسلام (ص) را بدعت دانست و از همگان خواست برای این مناسبت هیچ جشنی برگزار نکنند و اهمیتی به آن ندهند.

«عبدالعزیز آل الشیخ» در خطبه نماز جمعه، نوشت: سالگرد تولد و کارهایی مانند آن بدعت و خرافات است.

وی برگزاری مراسم گرامیداشت میلاد پیامبر اسلام (ص) را شرک دانست. مفتی کل عربستان برای توجیه این ادعای خود گفت: همه این اشتباهات بدعت است، زیرا هیچ ریشه ای در شریعت اسلام ندارد و در دوران رسول خدا وجود نداشت.

این ادعای داعش و مبلغان سعودی



مهم تشکیل دهنده وحدت توجه و در راه تحقق آن بکوشند. بنابراین مراد از وحدت، برداشتن موانع مصنوعی و پیشگیری از اموری است که باعث جدایی، کینه و دشمنی میان مسلمانان می گردد. از یک طرف دست دشمنان اسلام بر آنان دراز و از طرف دیگر در درون خود گرفتار و از حرکت و پیشرفت و رفع فقر، وجهل و حل مشکلات جامعه بازمانده و به خود مشغول می گردند، عقل دینی و خردجمعی می گوید، حفظ آرمانهای اصلی مهم تر از نزاع های بخشی نگر است.

هفته وحدت، فرصت مغتنم و ارزشمندی برای گرامی داشت یاد پیشگامان اتحاد اسلامی، از جمله امام خمینی رحمت الله علیه در جوامع اسلامی است. این ایام بزرگ، هم چنین بهانه ای مناسب برای ارزیابی و بازنگری تلاش هایی است که به منظور تحقق آرمان های مقدس سرسلسله جناب اتحاد اسلامی انجام گرفته است. بیایید در هفته وحدت، با بررسی مفهوم وحدت و مشخص ساختن معنای منطقی و جامع آن، عوامل بازدارنده و موانع تحقق وحدت امت اسلامی را به طور دقیق تر شناسایی کرده و راهکارهای اجرایی دستیابی به این آرمان ارزشمند را به صورت علمی مورد اشاره و تحلیل قرار

دهیم. اما می توان با - تاکید بر عوامل وحدت آفرین و متمرکز شدن بر روی مشترکات اسلامی و پرهیز از دامن زدن به هرگونه تعصبات قومی و فرقه ای.

فراهم می نمود، یکی از این امکانات مساله فلسطین و اشغال آن توسط رژیم اشغالگر قدس یعنی اسرائیل بود که اعتقاد تشکیل «اسرائیل بزرگ» یعنی از نیل تا فرات» را در سرداشت و برای تحقق این خواست منحوس خود به کشورهای اسلامی تجاوز می نمود و مسلمانان ساکن این سرزمین را کشتار می نمود و یا از خانه و کاشانه خود آواره می کرد.

یادداشت

درسی که از فاجعه هلمند باید گرفت

ادامه از صفحه اول / در باره دلایل این اقدام، نیروهای اردوی ملی هنوز گزارش موثقی در دست نیست؛ اما بدون شک از نظر سیاسی و اجتماعی، وقوع این رویداد خونین و تکان دهنده در حالی که به تازگی مسؤولیت تامین امنیت کشور از نیروهای خارجی به نیروهای امنیتی داخلی واگذار شده است، خبری به شدت ناگوار و ناامیدکننده بود.

آیا نیروهای اردوی ملی، در کشتار غیر نظامیان، از تروریست ها و طالبان پیشی می گیرند؟ آیا در سال جدید میلادی، وضعیت برای غیر نظامیان و ساکنان محلی در مناطق جنگی و ناامن، بدتر می شود؟

آیا پیش بینی ها در زمینه اینکه سال ۲۰۱۵ بیش از سال های گذشته، خونین و مرگبار خواهد بود به معنای عدم بهبود وضعیت برای مردم محلی و غیر نظامیان بی دفاع است؟

آیا در مناطق جنگی حتی در صورتی که کنترل منطقه بر عهده دولت باشد، برپایی جشن عروسی غیر ممکن است؟ و ده ها پرسش مشابه دیگر، از مسایلی است که این روزها مردم ولسوالی سنگین ولایت هلمند شاید با آن درگیر اند.

در این میان، اقدام سریع دولت در رسیدگی و ارزیابی این فاجعه، شاید اندکی از نگرانی های به وجودآمده در این خصوص بکاهد.

با این حال، مردم محلی خواستار سفر اشرف غنی به منطقه هستند و انتظار می رود این خواسته نیز به سرعت، اجابت شود و آقای رییس جمهور به خواست مردم، پاسخ مثبت دهد.

ابعاد فاجعه بسیار وسیع است و مصیبت هولناکی بر مردم محلی تحمیل شده است. عامل این اقدام اگر تعمد، عدم مهارت، اشتباه در محاسبه و هدف گیری، سهل انگاری یا هر چیز دیگری باشد، قابل قبول نیست.

با این حال، بازداشت دو نیروی اردوی ملی، امیدها به پیگیری جدی این رویداد را تقویت کرده است.

در این میان، درس های مهمی می توان از این رویداد گرفت:

۱. دولت باید در محاکمه و مجازات عوامل این رویداد، بدون اتلاف وقت اقدام کند؛ تا مردم پاسخ بخشی از خواسته های خود را دریابند و مهم تر از همه، تکرار موارد مشابه در آینده، منتفی شود.
۲. رییس جمهور، همانگونه که به پکتیکا رفت به هلمند نیز برود. بازماندگان آسیب دیده نیاز به دلجویی، حمایت و تسکین درد سنگین این مصیبت مهیب دارند. این امر همچنین به مردم اطمینان می دهد که در صورت بروز هر رویدادی از این نوع، دولت جانب آنها را می گیرد و به خواست های شان پاسخ می دهد و توجه می کند.

۳. به آن گروه از نیروهای اردوی ملی که هنوز آموزش های لازم در خصوص جنگ در مناطق مسکونی و صیانت از جان غیر نظامیان را فرانگرفته اند، آموزش های بیشتری داده شود و از گسیل نیروهای آماتور و کمتر آموزش دیده به خطوط مقدم نبرد در مناطق ناامن و به ویژه مسکونی، پرهیز شود.

۴. حفاظت از جان غیر نظامیان، حتی بر ضربه زدن به دشمن نیز اولویت و ترجیح داشته باشد و نیروهای امنیتی باید بدانند که مأموریت اصلی و اولی آنها حفاظت از جان غیر نظامیان هم در قبال اشتباهات خودی و هم در برابر حملات دشمن است و این اصل، غیر قابل عدول می باشد.

رعایت این نکات به دولت و نیروهای امنیتی امکان خواهد داد که رابطه نزدیک تری با مردم برقرار کنند و حتی در جریان عملیات، از اطلاعات و همکاری های امنیتی آنها بهره مند شوند؛ اما اگر از هم اکنون به خواسته های آسیب دیدگان خشمگین و معترض هلمندی، بی توجهی شود، عواقب آن برای ادامه مأموریت امنیتی نیروهای ملی، ناگوار خواهد بود. در نگاه مردم، نباید تروریزم و ضد تروریزم، جای شان عوض شود.

- پرهیز از بیان هرگونه اظهار نظرانی که سبب تحریک سایر مذاهب اسلامی گردیده و نیز توجه عالمان دینی به احساسات مذهبی دیگر مذاهب.

- عدم حمایت از اقدامات گرو های افراطی و نیز محکوم نمودن رفتارهای غیر انسانی و خشونت باری که به نام دین و مذهب نسبت به سایر مذاهب صورت می پذیرد و نیز برخورد با چنین اقداماتی از طرف دولت های اسلامی.

- فراهم آوردن زمینه های شناخت متقابل مذاهب اسلامی و تبیین و باز شناسی نقاط مثبت به عنوان راهکارهایی برای نزدیک سازی و تقریب امت اسلامی بهره جست.

طی بیانیه ای؛

حجت الاسلام والمسلمین سید عیسی مزاری خواستار آزادی فوری شیخ علی سلمان گردید



دستگیری شیخ علی سلمان از شخصیت های برجسته و از انقلابیون پیشتاز بحرین واکتشاف گسترده جهانی را در پی داشت و کشورها، شخصیت ها و جریان های مختلف ملی و بین المللی در یک اقدام بی سابقه و وسیع خواستار آزادی فوری این عالم برجسته بحرینی شدند. به گزارش خبرگزاری آوا، در همین ارتباط حجت الاسلام والمسلمین سید عیسی حسینی مزاری، رئیس حزب اسلامی تیبیان و از علمای فعال و مطرح افغانستانی نیز واکنش نشان داده و با صدور بیانیه ای ضمن اعلام همبستگی با ملت مسلمان و انقلابی بحرین،

خواستار آزادی فوری شیخ علی سلمان شد. نماینده تام الاختیار حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در افغانستان ضمن دعوت از مجامع و نهادهای بین المللی جهت حمایت فوری از آزادی این شخصیت برجسته بحرینی، خواستار برخورد قاطع با دولت خود خوانده بحرین در جهت جلوگیری از حرکت های سرکوبگرانه علیه مردم مسلمان و انقلابی بحرین گردید: متن بیانیه به شرح زیر است: از حکام سرسپرده بحرین می خواهم هرچه زود تر به آزادی شیخ علی سلمان اقدام کنند یکبار دیگر عوامل دژخیم و ضد مردمی در بحرین دست به عمل بزدلانه زد و یکتن از فرزندان انقلاب و خیزش عمومی علیه استبداد و خودکامگی رژیم ظالم این کشور به نام شیخ علی سلمان را دستگیر کرد. مطمئناً دستگیری عناصر

انقلابی، از سر تدبیر و اقتدار یک حاکمیت نیست، بلکه آنگاه که از مقابله با افکار عمومی و خیزش های سرتاسری به جایی نرسید به گمان اینکه می تواند با خفه نمودن صدای شخصیت های پیشگام به نتیجه دلخواه برسد، دست به اقدام دستگیری و بازداشت خود سرانه می زند، تا باعث فروکش کردن حرکت سیل آسای اسلامی و ملی شود، اما غافل از اینکه از یکسو یک چنین دستگیری هایی نه تنها رعب و وحشت در دل انقلابیون ایجاد نخواهد کرد، بلکه خشم مقابله جویی و گسترش و تعمیق انقلاب را بیش از پیش خواهد کرد و از سوی دیگر انقلاب طی این چندسال، ده ها و بلکه صدها و هزار ها رهبر و پیشاهنگ تربیه نموده است که با دستگیری یک نفر و ده نفر و بلکه صدها نفر، حرکت پیشرونده انقلاب نه تنها کند نخواهد گردید که با رهبری شخصیت های دیگر انقلابی به

نحو احسن به پیش خواهد تاخت. رژیم های وابسته به استکبار صدای کمتر از این را نیز تحمل ندارند و تلاش می کنند به انحاء مختلف دیدگاه و بیان شخصیت های اسلامی را خفه و یا حد اقل محدود کنند و گاهی به ترور رو می آورند و گاهی از روی خیابان ها به طور غیر مسؤلان اقدام به آدم ربایی می کنند و ساعت ها و روزها به بازداشت های غیر قانونی دست می زنند تا شاید بتوانند موجبات رضایت خاطر اربابان استعمار گر خود را فراهم آورند، چه رسد به شخصیت هایی مانند بحرینی ها که عمل سازماندهی صدها هزار انسان آزاده را به عهده داشته و کتله های انبوه مردمی را در برابر حکام خود ساخته و وابسته بحرین رهبری می کنند و طبیعی است که یک چنین شخصیت هایی مورد بغض و نفرت سر دمداران مزدور بحرینی قرار بگیرند. اما استکبار و عوامل آن بدانند

که روزهای زندگی طلایی شان به سر آمده و با این دستگیری ها نه تنها نمی توانند به عمر نکبت بار شان افزایشی ایجاد کنند بلکه هر روز بیشتر از روز قبل آجرهای ساختمان زندگی شان یکی پس از دیگری رو به فروریختن جدی گذاشته و دیری نخواهد پایید که ملت های آزاد گردیده و در سایه عدالت مهدوی روزگار سر خواهند کرد. اینجانب به نمایندگی از یک تشکیلات وسیع و توانمند از متن جامعه افغانی ضمن محکوم نمودن این عمل ننگین زمامداران غیر قانونی بحرین در جهت دستگیری شیخ علی سلمان، از یکسو با ملت مسلمان بحرین و انقلابیون خداخواه و آزادی طلب آن اعلام همدلی و هم نظری نموده، با بیان حمایت خویش از حرکت استقلال طلبانه آنها، از حکام سرسپرده بحرین می خواهم هرچه زود تر به آزادی شیخ علی سلمان اقدام



کنند و از سوی دیگر از تمام مجامع جهانی به ویژه نهادهای حامی حقوق بشر می خواهم ضمن محکومیت اعمال سبعانه و ددمنشانه حکام بحرین در راستای سرکوب انقلابیون و دستگیری شخصیتها، هر چه سریعتر اقداماتی را در جهت آزادی این شخصیت برجسته بحرینی روی دست بگیرند و بدینترتیب ثابت کنند که مطابق شعارشان، عملاً حامی حقوق انسان ها و ملت ها و مخالف زورگویی و آزادی بیان می باشند. سید عیسی حسینی مزاری ۱۲-۱۰-۹۳ کابل- افغانستان

صلح چینی هم وارد بازار می شود

سخنگوی رییس جمهور پیشین بیان کرد: «هدف این سفرها برای پاکستان امتیازگیری از چین و معامله با آن کشور بوده است و برای چین گرفتن تماس و انجام ملاقاتها با هیات طالبان به هدف حفظ منافع آن کشور در افغانستان، پاکستان و منطقه بوده است.»

طالبان خبرهای اخیر در باره سفر هیاتی از سوی این گروه به چین را تایید کرده اند. طالبان گفته اند که هیاتی از این گروه در ماه نوامبر سال گذشته میلادی از قطر به منظور «بحث روی روابط دو جانبه بین گروه طالبان و چین و بیان موضع طالبان» به آن کشور سفر کرده است. به گفته مقام های گروه طالبان ریاست این هیات را قاری دین محمد حنیف؛ از نمایندگی سیاسی طالبان در قطر بر عهده داشته است. گروه طالبان جزئیات بیشتری در مورد این سفر ارائه نکرده است. طالبان در قطر دفتر نمایندگی دارد و پیش از این نمایندگانش به کشورهای دیگری از جمله فرانسه و ایران هم سفر کرده اند. با این حساب، در زمینه صحت خبر سفر هیات طالبان به چین، دیگر تردیدی باقی نمی ماند. در این میان، نحوه تایید این سفر از سوی طالبان، جالب توجه است. طالبان گفته اند که هیاتی از این گروه به منظور «بحث روی روابط دو جانبه بین گروه طالبان و چین و بیان موضع طالبان» به آن کشور سفر کرده است. این امر، از دید ناظران، بیانگر آن است که طالبان نه خود را یک گروه تروریستی، متواری و غیر قانونی؛ بلکه هنوز یک دولت و رژیم سیاسی پایدار می دانند. این امر برای تحلیلگران بسیار معنادار است.

مخالف اطلاق تعبیر «نمایندگی سیاسی» به دفتر طالبان در قطر بود؛ زیرا آن را نه یک نمایندگی دیپلماتیک؛ بلکه صرفاً نشانی و آدرسی برای مذاکره با آن گروه می دانست. اینک اما از همان دفتر به کمک کشورهایی مانند قطر و پاکستان، طالبان هیات سیاسی به کشورهای مانند چین می فرستند و مهم تر از آن اینکه هدف از این سفر را «بحث روی روابط دو جانبه بین گروه طالبان و چین و بیان موضع طالبان» به آن کشور اعلام می کنند.

هنوز موضع رسمی دولت افغانستان در این خصوص بیان نشده؛ اما اگر این هدف طالبان در موضع گیری دولت افغانستان، مورد توجه قرار نگیرد، این نشان می دهد که دولت وحدت ملی، حتی به اندازه دولت آقای کرزی نیز دغدغه حاکمیت ملی و مشروعیت سیاسی انحصاری اداره سیاسی کابل در برابر یک گروه متواری و در حال جنگ را ندارد. در همین حال، ماه گذشته در یک نشست با رسانه ها، نماینده ویژه چین در امور افغانستان، گفت که چین خواستار آن است که حالا باید با طالبان صحبت شود و این کشور آماده است که در این زمینه کمک کند. محمد اشرف غنی؛ رئیس جمهور، بعد از مراسم تحلیف در دومین سفر خارجی اش به چین سفر کرد و از کمک احتمالی آن کشور به روند صلح افغانستان استقبال کرد.

آقای غنی در پاسخ به خبرنگاری گفت که چین با توجه به روابط نزدیک اش با پاکستان می تواند در آوردن صلح به افغانستان نقش بازی کند. او تاکید کرد: «چین به عنوان یک شریک بین المللی افغانستان با مسؤولیت عمل می کند و افغانستان

خواهند کرد یاخیر. چندی پیش برخی رسانه های منطقه گزارش کرده بودند که حکومت وحدت ملی و افراد گروه طالبان برای رسیدن به صلح به صورت مخفیانه در حال گفتگو هستند.

رییس جمهور پیشین می گوید که سفرهای طالبان به چین از سوی استخبارات پاکستان تنظیم شده و هدف این سفرها برای پاکستان امتیازگیری از چین و معامله با آن کشور بوده است. ایمیل فیضی؛ سخنگوی آقای



چین به عنوان یک شریک بین المللی افغانستان با مسؤولیت عمل می کند و افغانستان از گفتگو استقبال می کند. به ویژه که چین دوستی دیرینه با پاکستان دارد و ما از وزنه و نقش آن کشور برای ایجاد صلح استفاده می کنیم

به گزارش رسانه ها این نشستها زیر نظر سازمان ملل و به منظور برگشت گروه طالبان به زندگی سیاسی انجام شده بود. گفته می شد که کشورهای عربستان و چین برای پیشرفت این مذاکرات پیش قدم شده بودند. کابل اما این گزارش ها را تایید نکرد. و از سوی رسانه ها، جامعه مدنی و افکار عمومی افغانستان هم واکنش مناسب و مثبتی به آن نشان داده نشد؛ شاید ماهیت «مخفیانه» این گفتگوها دلیل اصلی این واکنش منفی بود. در همین حال، سخنگوی

کرزی می گوید که در جریان سالهای گذشته طالبان توسط سازمان استخبارات پاکستان به برخی از کشورها برده شده که یک آنها چین بوده است. آقای فیضی با بیان این مطلب که تاکنون هیچ هیاتی از طالبان به تنهایی به چین سفر نکرده اظهار داشت: «همین سفر ماه نوامبر و سفرهای قبلی طالبان به چین از سوی سازمان استخبارات پاکستان تنظیم گردیده بودند و این سفرها تحت رهبری مسؤولین استخباراتی پاکستان صورت گرفته است.» به گفته وی، حکومت چین

در افغانستان، با تردید نگاه می کنند؛ زیرا به باور آنها، هنوز در این زمینه اتهامات سنگین و جدی وجود دارد؛ در مورد رابطه چین و پاکستان و همچنین چین و طالبان و اینکه چینی ها تا چه حد حاضر اند، نفوذ و قدرت این روابط را «صادقانه» در خدمت برنامه صلح دولت افغانستان قرار دهند و مهم تر از همه اینکه در این میان، حتی اگر چین، چنین نیتی داشته باشد، آیا بازیگران مهم دیگر عرصه صلح افغانستان مانند عربستان سعودی، قطر، ترکیه، امریکا و کشورهای اروپایی، چنین تغییری را تحمل

همواره حکومت افغانستان (شخص رییس جمهور) را از این سفرها و مذاکرات مطلع ساخته است؛ ولی همیشه شدیداً مخالف مطبوعاتی شدن موضوع این سفرها و مذاکرات بوده است. سخنگوی رییس جمهور پیشین بیان کرد: «هدف این سفرها برای پاکستان امتیازگیری از چین و معامله با آن کشور بوده است و برای چین گرفتن تماس و انجام ملاقاتها با هیات طالبان به هدف حفظ منافع آن کشور در افغانستان، پاکستان و منطقه بوده است.» از نظر کارشناسان، سخنان آقای فیضی، برخی از ابعاد مبهم سفر هیات طالبان به چین را مشخص می کند. یکی اینکه این نخستین سفر در نوع خود نبوده؛ بلکه پیش از این و در دوران آقای کرزی نیز سفرهای مشابهی صورت گرفته است. بنابراین، احتمال اینکه این سفر نیز مانند موارد پیشین، نتیجه ای مثبت برای صلح در پی نداشته باشد، جدی است. نکته دوم این است که مدیریت و برنامه ریزی این سفر را سازمان جاسوسی پاکستان بر عهده دارد و این با توجه به کارنامه این سازمان در زمینه امنیت و ثبات افغانستان، هرگز نمی تواند برای صلح افغانستان یک خبر مثبت و امیدوارکننده باشد. نکته سومی که با سخنان آقای فیضی روشن می شود، این است که بیشترین امتیاز را از این تحرکات، چین و پاکستان کسب می کنند و تصور نمی شود در این میان، دو کشور، به مساله صلح در افغانستان نیز اهمیت چندانی بدهند. با این حال، نحوه برخورد و استفاده دولت جدید افغانستان از این رویداد تازه، تغییر معادله جنگ در افغانستان، افزایش نقش چین در سیاست خارجی کابل، کاهش نقش ناتو و رفتن کرزی از ارگ ریاست جمهوری، شاید بتواند قواعد گذشته در این زمینه را از بنیاد، به نفع خواست های مردم و دولت افغانستان، تغییر دهد.

انصاف

خدايا! با غرق کردن من در ناز و نعمت، مرا به پرتگاه عذاب خویش نکشان و با بلايا (گرفتاری‌ها) ادبم نکن.

خبر

بشار اسد تاکید کرد:

آمریکا فریب هم پیمانانش را خورد

شکاف جدی در جبهه مخالفان سوریه

رئیس جمهور سوریه اخیرا در دیدار با برخی از اعضای حزب بعث در استان طرطوس آخرین نظرات خود را درباره تحولات داخلی، منطقه ای و بین المللی ابراز داشته است.

به گزارش آوا به نقل از مهر، تلویزیون المنار خبرداد، رئیس جمهور سوریه در این دیدار با اشاره به پیامدهای قدرت گرفتن داعش در منطقه، تاکید کرد: ما در شرایط حساسی قرار داریم که در آن راه حل میانه وجود ندارد یا کل منطقه به سوی بحران فراگیر پیش می رود و غربی ها نیز هزینه آن را متحمل می شوند یا اینکه باید به سوی حل بحران گام برداشته شود.

وی با اشاره به اینکه جبهه دشمنان سوریه در حال حاضر دچار شکاف شده، افزود: آمریکا امروز ضد گرایشهای ترکیه است، در حالی که آنکارا خواهان ایجاد منطقه حائل است، واشنگتن این پیشنهاد را رد کرده است. اردوغان عامل اعتمادسازی غربی ها به اخوان المسلمین شد اما بعدها مشخص شد که فرقی میان اخوان، افراط گرای و القاعده وجود ندارد و آنها یک هدف را به شیوه های مختلف دنبال می کنند.

اسد افزود: همچنین اختلافاتی میان ترکها و کردها و حتی کردهای عراقی و کردهای سوریه پیش آمد، در اینجا هم گروه تروریستی داعش وجود دارد که با همه طرفها سر جنگ دارد. کشورهای حامی تروریسم در بین خود اختلافاتی دارند اما در موضوع آسیب زدن به سوریه و سرنگونی نظام و کشور توافق نظر دارند. البته امروز جبهه مخالفان سوریه دچار شکاف و تردید شده و در قبال آینده هیچ دیدگاه روشنی ندارد. البته امکان دارد آنها هر لحظه تصمیمی دیگر علیه سوریه اتخاذ کنند، اما در شرایط فعلی وضعیت گرایش کلی در جهان در قبال سوریه مثبت است.



وی تاکید کرد: اروپا در حال حاضر نقشی در این بحران ایفا نمی کند. دولت آمریکا در درون خود دچار شکاف شده است؛ وزارت خارجه آمریکا در یک جهت، ارتش آمریکا در جهتی دیگر و کاخ سفید نیز گرایشی دیگر را دنبال می کند. البته آمریکایی ها فکر می کنند که از هم پیمانان خود در منطقه فریب خورده اند. آنها علنا می گویند که از قطر، ترکیه و عربستان سعودی فریب خورده اند. آمریکایی ها تصور می کردند که سرنگونی نظام سوریه کار آسانی است تا در پی آن یک نظام به اصطلاح دموکراتیک حامی غرب در سوریه ایجاد شود. آنها وقتی فهمیدند که رسیدن به این هدف آسان نیست پیشنهاد بقای نظام و تغییر رئیس جمهور را دادند، اما پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سوریه، شوک بزرگی را متحمل شدند و با وجود اینکه علنا چیزی نمی گویند، اما در محافل محرمانه خود به شکست اذعان دارند.

روابط راهبردی با ایران

رئیس جمهور سوریه در موضوع روابط با ایران بسیار صریح صحبت می کند، وی روابط ایران و سوریه را روابطی راهبردی توصیف می کند. اسد در ادامه تاکید می کند: باید این موضوع را بفهمیم که دلیل موفقیت ایران در سطح بین المللی، شیوه پراگماتیک (عمل گرا) آنها در تعاملات بین المللی است. به صورت عملی آنها در موضوع سوریه ایستادگی کرده اند و این از روابط استراتژیک دو کشور نشأت گرفته است.

عملی صورت نگیرد که به رشد این پدیده بیانجامد. وقتی دیده می شود که کشورهای غربی از یک سوی، ندای مبارزه با تروریسم و افراط گرایی را سر می دهند از جانب دیگر دست به عملیاتی می زند که عکس العمل خشنی را به همراه می آورد به معنای آنست که غربی ها تصمیم نگرفته اند و نمی خواهند مبارزه جدی علیه تروریسم به عمل آورند و این پدیده ریشه کن شود.

در نتیجه رشد تروریسم و افراط گرایی هم چنان ادامه پیدا کرده و باز تولید می شود. عملکرد کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه، پشتیبانی بی قید و شرط از رژیم اسرائیل، دفاع از دیکتاتوری در بحرین و عربستان سعودی از چشم هیچ صاحب عقلی به دور نمی ماند و این عمل ها عکس العمل هایی را به همراه می آورد.

دنیایی که روز به روز کوچک تر و متراکم تر می شود، نباید این گونه پنداشته شود که عمل آمریکایی ها واکنشی در خاورمیانه در آسیای مرکزی و جنوب آسیا و برخی کشورهای دیگر به همراه نخواهد آورد.

اگر روزگاری «گناه آهنگری در بلخ به گردن زدن مسگری در شوشتر» یک طنز تلقی می گردید در زمانه ی ما نه تنها طنز نیست، بلکه یک واکنش مناسب به حساب می آید و کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا نخواسته که میزان تروریسم کاهش پیدا کند و افغانستان به امنیت برسد. پس نتیجه ای که می توان گرفت آنست که کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا در ماموریت خود در افغانستان برای ایجاد امنیت ناکام و ناموفق بوده است.

هزینه های مادی و معنوی آمریکایی ها در افغانستان را کسی منکر نیست، آنچه که برای مردم افغانستان غیر قابل قبول است، این که سیاست مداران غربی سیاستی متناسب و هماهنگ را همراه با حضور خود اتخاذ نکردند، افغان ها به امنیت دست نیافتند و یک بار دیگر نام بدی از غربی ها در خاطر مردم افغانستان نقش بست.

م. سمنگانی

اینجاست که ناتو در ماموریت خود در افغانستان چقدر موفق بوده است؟!.

به باور نیازی تامین امنیت، بازسازی افغانستان و ختم غایله تروریسم را که خارجیا عنوان می کردند، متأسفانه هیچ کدام تحقق پیدا نکرد.

به گفته او حضور جامعه جهانی و سازمان آتلانتیک شمالی ناتو برای خدمت به افغانستان نبود، بلکه آنان اهداف دیگری داشتند که به مرور زمان چهره های کثیف شان برملا شد. به گفته او، فدا کاری دشمنان به خاطر حفاظت از امنیت افغانها نبوده، بلکه برای تامین منافع خودشان بوده است. او گفت: یکی از نمونه هایی که عدم صداقت کشورهای عضو ناتو را ثابت می کند، این است که از ماموریت خود اسلحه ای را که تا کنون در افغانستان به کار می رفت، به اکراین تحفه می دهد.

به گفته نیازی کسانی که برای امضای پیمان استراتژیک و امنیتی با آمریکا لحظه شماری می کردند، باید جواب بدهند که نتیجه ین همه شتاب زدگی چه شد؟!.

او در پایان گفت: مردم افغانستان از اول این مسوولیت را درک می کردند و می دانستند که چه جامعه جهانی همکاری کند یا نکند، از وجب وجب خاک خود دفاع خواهند کرد، همانگونه که در طول تاریخ دفاع کرده اند.

به پایان آمد این دفتر اما حکایت ..

است که همسایگان افغانستان همکاری لازم را به عمل نیاوردند، پرسش اساسی که قابل طرح است همین است که کشور پرورش دهنده تروریسم یکی از متحدان نیرومند کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه بوده است و سالهای متمادی است که ارتش پاکستان توسط غربی ها تقویت و تجهیز و تغذیه می شود. علاوه بر آن، پاکستانی ها امکانات فراوانی را به نام مبارزه با تروریسم از غربی ها دریافت می کرده اند و می کنند، علاوه



بر آن یکی از اعضای موثر کشورهای خط مقدم مبارزه با تروریسم به حساب می آمده است. آیا لازم نبوده که غربی ها و به ویژه ایالات متحده آمریکا با دید ژرف تر و نگاه دقیق تر به این معضل بنگرد و پاکستان را تحت فشار قرار دهد که از تجهیز نیروهای طالبان دست بردارد؟ بی تردید که چنین امکانی در اختیار غربی ها قرار داشته، اما متأسفانه با رویکرد دوگانه نخواسته اند که تروریسم و افراطیت از افغانستان ریشه کن شود.

عامل دومی که به رشد تروریسم کمک کرده ریشه های نرم افزاری یا وابسته به نوع نگاه غربی ها دارد؛ یعنی نوع نگاه غربی ها نسبت به عملکرد خود تغییر نیافته، به سخن دیگر غربی ها نخواسته اند یا منافع بلند مدت آنها مانع برخورد جدی آنها با تروریسم و افراطیت شده است. اگر یکی از تعریف های افراط گرایی اینست که این پدیده در واکنش به کنش کشورهای غربی به وجود آمده است، پس مبارزه صادقانه آنست که کنشی انجام نیابد و

مبارزه با کشت و قاجاق مواد مخدر و کاهش این سم مهلک از افغانستان گفته می شد و برخی از اعضای ناتو این ماموریت را به دوش گرفته بودند که با این پدیده مبارزه کنند.

سومین مورد ایجاد زمینه های مناسب برای یک حکومت داری مطلوب بود. اگر از سایر اهداف ریز و درشت نیروهای غربی در افغانستان صرف نظر شود و صرف بر همین چند مورد درنگ و مکث صورت گیرد؛ آیا می توان حضور نیروهای غربی

را همراه با موفقیت دانست یا نه؟ واقعیت آنست که در هیچ موردی، حضور نیروهای آمریکایی و در مجموع حضور غربی ها در افغانستان همراه با موفقیت نبوده است. یعنی رشد تروریسم سیر صعودی داشته و امروز بیش از هر زمان دیگر در کشور ما حتا در منطقه افزایش یافته است.

این افزایش دو معنا دارد؛ اول این که عملیات نظامی و یا برخورد سخت افزاری نیروهای غربی متناسب با رشد تروریسم و افراطیت صورت نگرفته، غربی ها یا نه خواستند یا نتوانستند با تجهیزات و ادواتی که در اختیار داشتند، در مقابله با افراطیت بپردازند در نتیجه پدیده ای به نام تروریسم نه تنها از نفس نیافتاده و زمین گیر نشده که رشد قابل ملاحظه ای نیز داشته است. شاید گفته شود که بزرگترین عامل رشد تروریسم، باز تولید این پدیده ی شوم در کشورهای همسایه ی افغانستان بوده. برخی کشورهای همسایه تروریسم و افراطیت را به صورت مستمر پرورش داده و به کشور ما ارسال داشته اند. درست

مردم افغانستان پس از تقبل ماموریت

نظامی مستقلانه، از وجب وجب خاک

خود دفاع خواهند کرد

در برابر دشمن، یعنی پیامبر(ص) زمانیکه در برابر دشمن قرار می گرفت، دشمن از هیبت و صلابت آن حضرت به خود می لرزید.

خداوند زمین را برای من و اتمم مسجد ظهور قرار داد، در حالیکه سایر امتها بدون معبد و جای مشخص نمی توانست خدا را عبادت کنند و همچنین غنیمت جنگی را برای من حلال کرد در حالیکه برای امت های گذشته حلال نبود.

به گفته نیازی، امتیاز پنجم را که پیامبر(ص) خود به آن اشاره می کند این است که می گوید خداوند مرا خاتم پیامبران قرار داد.

نیازی گفت خاتمیت یکی از امتیازات برجسته پیامبر گرامی اسلام(ص) می باشد، زیرا با آمدن آن حضرت بر نبوت تمام انبیا مهر پایان گذاشته شد.

به گفته او گستردگی رسالت رسول اکرم(ص) از دیگر امتیازاتی است که خداوند به او داده است، درحالیکه هر پیامبری برای قوم خاصی و برای هدایت عده محدود از

قسمت اول

باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در پایان سال میلادی ۲۰۱۴ اعلام داشت که ماموریت نظامی آمریکا در افغانستان به پایان خود رسیده است.

وی، حضور نیروهای آمریکا در خاک افغانستان را طولانی ترین ماموریت عنوان داشت و گفت که بعد از این نیروهای آمریکایی به آموزش نیروهای افغانی ادامه خواهند داد و نیروهای افغانستان برای تامین امنیت کشور خود خواهند جنگید.

پرسشی که از چند سال بدین سو، یعنی از زمان تشدید حملات انتحاری در افغانستان در اذهان مردم به وجود آمده و همواره این پرسش ها فریه تر شده این است که ماموریت نظامی کشورهای غربی در افغانستان همراه با موفقیت بوده یا نه؛ دوم این که اگر همراه با موفقیت نبوده چه عملی سبب این ناکامی شده و افغان ها در این شرایط چه تدبیری بیاندیشند که کشور خود را از بحران ناامنی نجات بخشند؟ البته این پرسش همواره مطرح بوده و در شرایط کنونی که ماموریت نیروهای غربی خاتمه یافته است، با شدت و حدت بیشتر مطرح شده است.

در سنجش و ارزیابی ها باید به این نکته توجه داشت که کامیابی ها و ناکامی ها در هر امری نسبی است، یعنی معیاری در نظر گرفته می شود، آنگاه کارکردها را با آن معیار به سنجه می گیرند. با آن معیار منظور نظر، می توان به داوری پرداخت که طی آن روند با این معیار و ضابطه چه نسبتی برقرار بوده است؟

برای ارزیابی کارکرد نیروهای غربی در افغانستان باید به اهداف آن نیروها توجه کرد، آنگاه به داوری پرداخت. در اهداف نیروهای غربی در افغانستان به چند مورد می توان اشاره داشت و بر اساس این هدف مندی ها حضور نیروهای غربی را مورد نقد و بررسی و تحلیل قرار داد.

آنچه فلسفه وجودی نیروهای غربی در افغانستان را توجیه می کرد و بر اساس همان ضابطه حضور یافته بودند. ایجاد امنیت و صلح در افغانستان بود.

دومین معیار ارزیابی حضور غربی ها،

ادامه از صفحه اول / داکتر ایاز نیازی خطیب مسجد جامع وزیر محمداکبر خان شهر کابل که در جمع صدها تن نمازگزار صحبت می کرد، گفت: یکهزار و چهارصد سال پیش از امروز، در حالیکه جهل و تاریکی، ظلم و بی عدالتی دنیای بشریت را فرا گرفته بود، آفتاب عالم تاب آخرین سفیر الهی از افق حجاز پرتو افشانی کرد و صحنه گیتی را روشنی بخشید.

به گفته این عالم دینی خداوند(ج) پیامبرش را با خلق عظیم در میان بشر فرستاد و او را از همه امتیازات و کمالات انسانی بهره مند ساخت.

پیامبر گرامی اسلام(ص) علاوه بر تمام صفت هایی که انبیای سلف داشتند، امتیازاتی را نیز داشت که سایر انبیاء از آن بهره مند نبودند.

به گفته وی، رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: خداوند(ج) پنج چیز به من داد که به سایر پیامبران خود نداده است، به من جوامع کلیم داده شد، یعنی پیامبر در تمام موارد چه در مسند قضا و چه در سایر مسائل سیاسی و اجتماعی مقاصد را با چند کلمه موجد و مختصر بیان می کرد و به مخاطبین تفهیم می نمود.

حضرت رسول اکرم(ص) در ادامه فرمود: خداوند به من نصرت داد در هیبت و صلابت